



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ بهمن ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۸ شعبان ۱۴۴۶

جلسه: ۲۷

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۰ - مفردات آیه - ۲. «فانفجرت» - ۳. «لا تعثوا» - دو قول در معنای «عثی» -

بخش‌های پنج‌گانه آیه

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مفردات آیه

سخن در مفردات آیه ۶۰ سوره بقره بود؛ اولین واژه‌ای که به اجمال درباره آن مطالبی را عرض کردیم، کلمه «حجر» بود.

### ۲. «فانفجرت»

«فانفجرت» در واقع فضریت فانفجرت بوده و فاء در فانفجرت متعلق به فعل محذوف «ضرب» است؛ یا به این ترتیب بوده «فان ضربت فقد انفجرت». به هر حال اصل «فانفجرت» این بوده است. معنای انفجار از نظر لغوی معلوم است. در آیه ۱۶۰ سوره اعراف به جای «انفجرت»، «انبجست» آمده است. ما در ادامه همانند دو آیه قبل (که به برخی تفاوت‌های این آیه در سوره بقره و نظیر آن در سوره اعراف وجود دارد اشاره کردیم) در مورد این آیه هم اشاره خواهیم کرد که چه فرقی بین معنای «انفجرت» و «انبجست» وجود دارد. به هر حال «انفجرت» به معنای جریان شدید آب از محل ضرب عصا است. اینکه با ضرب عصا به آن سنگ، ناگهان یا به تدریج یک جریان شدیدی از آب پدید آمد. از اسم انفجار پیداست، یعنی جریان شدید؛ متعلق این انفجار می‌تواند امور مختلف باشد؛ انفجار ماء یعنی یک جریان یافتن شدید آب. فضرب فانفجرت، به این معناست که با ضرب عصا جریان شدید آب به یک باره پدید آمد؛ در مقابل، برخی از مفسرین گفته‌اند که آب در ابتدا به صورت جریان آهسته و ضعیف بود لکن بعداً تبدیل به انفجار شد.

### ۳. «لا تعثوا»

آیه این است: «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ «تعثوا» در اینجا به چه معناست و ریشه آن چیست؟ «لا تعثوا» از ریشه «عثی» اخذ شده است. در کنار «عثی» کلمه دیگری ذکر شده و آن هم «عیث» است؛ یعنی دو کلمه داریم: «عثی» و «عاث». لام الفعل عثی حرف یاء است و عین الفعل عاث حرف یاء است. گفته‌اند این دو به یک معناست، منتها عیث بیشتر در مورد امور محسوس استعمال می‌شود، اما عثی یا عثی مطلق است. به هر حال «لا تعثوا» از «عثی» یا «عثی» اخذ شده است. در مورد معنای «عثی» یا «عثی» دو احتمال بلکه دو قول وجود دارد:

### قول اول

برخی از مفسران آن را به معنای مطلق تجاوز از حد و تعدی از حد دانسته‌اند؛ اینکه می‌گوییم مطلق تعدی از حد، از این جهت است که تعدی از حد تارة در قالب فساد تحقق پیدا می‌کند و آخری در قالب صلاح. یعنی گاهی ممکن است از حد تعدی شود اما برای صلاح، نه برای فساد. مثل آنچه که در داستان حضرت خضر واقع شده که مربوط به کشتن عبد و ایراد خسارت و عیب به کشتی بود؛ این کار هرچند خروج از حد بود، اما با مصلحت همراه بود. یک وقت هم ممکن است تعدی از حد با فساد همراه باشد.

اگر گفتیم «عثی» به معنای مطلق تعدی از حد است، «مفسدین» نسبت به «لا تعثوا» تکرار و تأکید نیست. چون بعضی اینجا اشکال کرده‌اند که اگر ما «لا تعثوا» را به معنای تعدی فسادانگیز بدانیم، آن وقت ذکر «مفسدین» چه وجهی دارد؟ کأن آیه می‌فرماید: فساد نکنید در حالی که فساد می‌کنید؛ تعدی فسادانگیز نداشته باشد در حالی که فساد می‌کنید. گفته‌اند «مفسدین» تأکید یا حال برای «لا تعثوا» محسوب می‌شود؛ ولی برخی اشکال کرده‌اند که تأکید یا حال بعد از جمله فعلیه واقع نمی‌شود. این اشکالی است که اینجا پیش می‌آید.

لذا برای فرار از این اشکال گفته‌اند «عثی» به معنای تعدی مطلق از حد است و «مفسدین» قید احترازی از تعدی از حد همراه با صلاح است؛ یعنی کأن می‌گوید پایتان را از حد فراتر نگذارید در حالی که تعدی شما از حد همراه با افساد باشد. طبق این احتمال، «وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ» یعنی تعدی از حد نکنید در حالی که این تعدی شما مفسدانه و همراه فساد است. این می‌شود از قبیل «لَا تَسْعُوا فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» یا «لَا تَطْغُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ» یا «لَا تَعْتَدُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ»، اینها یک معنای خاصی بعد از مطلق «لا تسعوا»، «لا تطغوا» و «لا تعتدوا» پیدا خواهد کرد.

این یک احتمال یا معنایی است که در برخی از تفاسیر ذکر شده است.<sup>۱</sup>

#### قول دوم

قول دیگر این است که «عثی» به معنای شدت فساد است؛ برخی از مفسران می‌گویند آیه نهی می‌کند از شدت فساد و در این صورت کلمه مفسدین که بعد از «لا تعثوا» آمده، در واقع تأکید «لا تعثوا» محسوب می‌شود و حال مؤکد است.<sup>۲</sup> اگر این احتمال را بپذیریم، آن اشکالی که در احتمال اول گفته شد، به قوت خودش باقی است که چرا اینجا حال مؤکد بعد از جمله فعلیه قرار گرفته، در حالی که حال مؤکد نمی‌تواند بعد از جمله فعلیه باشد.

به هر حال این دو قول در مورد «تعثوا» ذکر شده است. بعید نیست با توجه به این اشکال، قول اول را ترجیح بدهیم؛ چون نظایر آن را در برخی از تعابیر دیگر داریم.

#### بخش‌های پنج‌گانه آیه

واژه دیگری که نیازمند توضیح باشد نداریم؛ باید برویم سراغ تفسیر این آیه. در آیه ۶۰ چند بخش وجود دارد و هر بخش هم متضمن مطالبی است.

بخش اول: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ».

بخش دوم: «فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ».

بخش سوم: «فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ».

بخش چهارم: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ».

بخش پنجم: «وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ».

اینکه ما آیه را به چند بخش تقسیم می‌کنیم، برای این است که بتوانیم نکات و نقاط لازم را ضمن تمرکز روی هر بخش، با اتصال به بخش‌های قبلی و بعدی، بیان و آیه را تفسیر کنیم. به هر حال هر یک از این بخش‌های پنج‌گانه متضمن مطالبی است که ان‌شاءالله در جلسه آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. آلاء الرحمن، ص ۹۶.

۲. تفسیر الجامع الاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۹۴.